

به نام خدا

۹۲۷۴۱

۱۷، ۱، ۱، ۶۵۳
۱۷، ۱، ۱۴



دانشکده معماری و شهرسازی
گروه شهرسازی

پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری

عنوان :

اصول طراحی شهری پایدار با تاکید بر بعد فرهنگ
نمونه موردی بافت تاریخی بوشهر

اساتید راهنما :

دکتر کورش گلکار
مهندس عباس شعبی

اساتید مشاور :

دکتر علی غفاری

دانشجو : آزاده لک

زمستان ۱۳۸۶

۹۳۷۴۱

از اساتید محترم

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۲

فائلہ خیرا حافظا و هو ارحم الراحمین

برای او، کہ اورا چشم در راہم

و تقدیم بہ مادرم با نگاہ ہمیشہ نگرانہ.

سپاس از همه عزیزانی که انجام این پژوهش را بر من هموار نمودند:

- دکتر کوروش گلکار که کوهی از دانش بود و مرا امکان درک آن همه آگاهی نبود.
- مهندس عباس شعبی که کنش پدرانہ اش، دلگرمی راہم بود.
- دکتر علی غفاری که نخستین جوانہ های این پژوهش را بر ذہنم حکاکی کرد.
- دکتر جہانشاہ پاکزاد، کہ ذہن اندیشہ پرورش، روشنگر مسیرم بود.

و دکتر پرویز پیران کہ بزرگ بود و سخاوتمند در بخشیدن دانشش.
و دکتر احمد خالقی کہ پیچیدگی ذہنش ، مشوق راہم بود برای بیشتر آموختن .
و مهندس فریبرز جبارنیا کہ مہربانیش بر افسارگسیختگیم مثال زدنی بود.

و تمام اساتیدی کہ آموختن را مدیون آنانم.

و تقدیر از ہمہ دوستانم بہ پاس مہربانیشان:
کسری ابراہیمی ، آذر بیگدلی، مرضیہ ترابی ، پانتہ آحکیمیان ، سحر دینی ، آنا سبحانی ، مریم علیرضایی، فرانک فرزانه ،
مروارید قاسمی، مریم لک ، مریم موگویی، بابک نقوی و.....
و آنان کہ بزرگیشان، در کوچکی اندیشہ من جای نگرفت و نامشان را بہ یاد نیاوردم.

مشخصات دانشجو	
نام و نام خانوادگی: آزاده لک	شماره دانشجویی:
گرایش طراحی شهری	تاریخ تحویل: زمستان ۱۳۸۶
اساتید: دکتر کوروش گلکار ، مهندس عباس شعبی	اساتید مشاور: دکتر علی غفاری

اصول طراحی شهری پایدار با تاکید بر بعد فرهنگ

چکیده رساله:

صورت مسئله: طراحی شهری پایدار امروزه یکی از مهمترین جریانات طراحی شهری به شمار می آید. تلاشها و مطالعات زیادی در مورد رسیدن به شکل پایدارتر شهرها صورت گرفته است. با وجود تعریف پایداری در دستورالعمل ۲۱ مبنی بر پایداری در زمینه های زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی متاسفانه در معماری و طراحی شهری کمتر به نقش فرهنگی پایداری توجه شده است. در حالیکه امروزه نه تنها توجه به بعد زیست محیطی را برای خلق یک جامعه محلی پایدار لازم می دانند بلکه پرداختن به مولفه های فرهنگی را نیز از در پایدار سازی جوامع ضروری می نماید چراکه توجه به روابط فردی در تعاملات اجتماعی و چگونگی طراحی محیط ساخته شده یکی از شروط پایداری محیط ساخته شده به شمار می آید.

با توجه به تحول شهرها و جوامع محلی در عصر معاصر و قرار گرفتن در "فراآیند جهانی شدن" از یک سو و تغییر شیوه والگوی سنتی در بافتهای تاریخی و تغییر نیازهای زندگی روزمره از سوی دیگر حیات شهری در بافتهای تاریخی ما دچار نقصان شده است. بافت تاریخی بوشهر یکی از این نمونه ها می باشد. بوشهر به لحاظ استراتژیک جغرافیایی یکی از بندرگاه های مهم ایران به شمار می آمده است. خصوصیات منحصر به فرد بافت و معماری در بافت قدیم از یک سو و حضور فرهنگ های دیگر در این بافت باعث بروز ویژگی های فرهنگی خاصی در این بافت شده است و حیات فرهنگی منحصر به فردی به این بافت بخشیده است. متاسفانه بافت تاریخی بوشهر نیز همانند سایر بافتهای تاریخی ما با خطر از دست رفتن حیات اجتماعی و به تبع آن "فرسودگی و کهنگی" دست و پنجه نرم می کند و با انزال کیفیتهای کالبدی و محیطی مواجه شده است.

از آنجا که لینچ پایداری را تنها از آن شهرها و یا فضاهای شهری می داند که تداوم فرهنگی را ارتقا بخشیده و به بقا و پایداری شهروندان از طریق ارتقا کیفیت زندگی کمک کرده و زمیته رشد فردی آنها را فراهم آورده تقویت نموده و بر احساس ارتباط در زمان و مکان بیفزاید (لینچ ۱۳۷۶: ۱۵۰)

در رساله مذکور تلاش شد در ابتدا با شناخت مفاهیم فرهنگ و پایداری و متعاقب آن "پایداری فرهنگی" و تعامل آن با طراحی شهری با استفاده از مدل مکان پایدار و لایه های فرم شهر "اصول طراحی شهری پایدار" بر اساس با تاکید بر "ابعاد فرهنگی پایداری" و یا "پایداری فرهنگی" برای بافت قدیم بوشهر تهیه شود.

هدف رساله: این رساله در پی یافتن راه حل هایی واقع بینانه به منظور افزایش سرزندگی فرهنگی و زیست پذیری بیشتر جامعه محلی از طریق بستر سازی فرهنگی و نمود فرهنگ به عنوان قلب پایداری در طراحی شهری پایدار است.

محصول رساله: اصول طراحی شهری پایدار با توجه به محوریت فرهنگ و سرزندگی فرهنگی در بافت های تاریخی و به خصوص بافت تاریخی بوشهر است.

فهرست

۱	۱- مقدمه
۱	۱-۱- ضرورت مساله
۳	۲-۱- دلایل انتخاب مکان
۳	۳-۱- هدف رساله
۳	۳-۱- ساختار و محصول رساله
	۲- چارچوب مفهومی: مروری بر ادبیات موضوعی
۷	مقدمه
۸	۱-۱-۲- فرهنگ
۲۴	۲-۱-۲- پایداری
۴۰	۳-۱-۲- پایداری فرهنگی
۵۸	۲- ۲- طراحی شهری
۶۷	۳- ۲- جمع بندی
	۳- تعامل مفاهیم (بررسی ارتباط متقابل پایداری فرهنگی و طراحی شهری) و ارائه اهداف طراحی
۶۹	مقدمه
۷۱	۱-۳- ابعاد ماهوی
۷۱	۱-۱-۳- فعالیت
۷۴	۲-۱-۳- معنا
۷۸	۳-۱-۳- کالبد
۸۰	۲-۳- ابعاد رویه ای
۸۱	۱-۲-۳- مشارکت و تعهد مندی
۹۲	۲-۲-۳- فرصت یادگیری
۹۳	۳-۲-۳- شکوفایی اقتصادی
۹۷	۳-۳- جمع بندی و ارائه اهداف طراحی با محوریت پایداری فرهنگی
	۴- تجربیات جهانی و بررسی های موردی و رسیدن به ساختار سند "اصول طراحی شهری"
۱۰۱	مقدمه
۱۰۱	۱-۴- پروژه های معطوف به بازنده سازی مراکز تاریخی شهری با بعد فرهنگ
۱۰۸	۲-۴- پروژه های مربوط به تدوین اصول طراحی شهری
۱۳۱	۳-۴- جمع بندی و ارائه ساختار "اصول طراحی شهری"

۵- تدوین اصول طراحی شهری پایدار با تأکید بر بعد فرهنگ در بافت قدیم بوشهر

۱۳۴

مقدمه

۱-۵- سنجش وضعیت بوشهر

۱۳۴

۱-۵-۱) سنجش وضعیت حوزه راهبردی

۱۳۴

۱-۵-۱-۱) سنجش وضعیت حوزه راهبردی در بعد رویه ای

۱۴۶

۱-۵-۱-۲) سنجش وضعیت حوزه راهبردی در بعد ماهوی

۱۵۵

۱-۵-۱-۳) جمع‌بندی و راهبردهای در سطح شهر

۱۵۸

۱-۵-۲) سنجش وضعیت حوزه محلی

۱۸۲

۱-۵-۲- چشم انداز سازی و تدوین اهداف

۱۸۵

۱-۵-۳- اصول طراحی شهری پایدار با تکیه بر بعد فرهنگ در بافت قدیم بوشهر

۲۰۳

منابع

فصل ۱: معرفی رساله

با تحولات تاریخی و اجتماعی و اقتصادی پس از انقلاب صنعتی، فضای شهری تا به کنون شاهد تغییرات عمده‌ای در شکل و عملکرد بوده است. در این میان و از دیدگاه آسیب شناسی شهری، پدیده افت کیفی فضا در سطوح مختلف به عنوان پدیده‌ای تعیین کننده در ارزیابی عملکرد کیفی یک محدوده و محیط شهری قابل طرح و تعریف می باشد.

افت کیفیت فضا (متشکل از ابعاد مختلف کالبدی، اجتماعی و اقتصادی و خصوصاً بعد فرهنگی) و یا نابرابری فضایی در شهر به این معنی می باشد که فضای شهری مورد نظر در یک یا چند بعد خود از عدم کیفیت لازم برخوردار بوده و یا دارای عدم تعادل و پایداری است که نیاز به ارتقا کیفیت محیطی را مطرح می کند.

از سوی دیگر، گسست فرهنگی و بحران هویت مکانی، توزیع عادلانه ثروت در جامعه، افزایش اختلاف طبقاتی، افزایش مشکلات روان شناختی در فضاهای زیست و کار باعث بر هم خوردن تعادل نظام های اجتماعی و از میان رفتن شیوه های فرهنگ بومی، به ویژه در کشورهای در حائل توسعه بوده است و این همه با رشد جمعیت شهر نشین بخصوص در همین گروه از کشورها رو به فزونی دارد.

این تحقیق به دنبال آن است که با اتخاذ شیوه‌ای بنیادین به جوهره و ذات عاملی از پایداری فضا و مکان دست یابد که به عنوان شیوه‌ای خود سامانگر، در هر زمان به جوهره و ذات نوشتن دست یابد.

۱-۱) ضرورت مسأله

یا متزلزل شدن ساختارهای زندگی سنتی و دگرگونی الگوی زیستی شهرنشینان، در تعامل تاریخی میان ذهن انسان و فضای ساخته شده، اصول و پایه های بیشماری درهم ریخت و بدین گونه آهنگ موزون شهر، ملودی خود را از دست داد و در اندک زمانی آرامش و تعادل بصری در ذهن مردمان، جفای خود را به گم گشتگی و نا آگاهی فرهنگی بخشید.

امروزه که بیش از نیم قرن از شروع انحطاط و افول شهرهای سنتی می گذرد، با پشت سر گذاردن تاریخ پرفراز و فرود معاصر، تخریب های فرهنگی، موانع اقتصادی و تحرکات پر تنش اجتماعی همه و همه به زوال و فرسودگی بافت های شهری انجامیده اند. شهرها که در طول زمان به عنوان مهمترین سرمایه های فرهنگی این یرزمین، تجلی اندیشه و هنر و خلاقیت انسان ایرانی برای غلبه بر خصوصیات اقلیمی و دیدگاه ها و جهان بینی متأثر از دین و سنت ایرانیان بوده اند، در حال از بین رفتن اند.

از سوی دیگر در حالیکه بافت های شهرهای تاریخی ما در راه انحطاط و از بین رفتن کارایی و عملکرد پیش می روند، در عرصه تفکر و اندیشه سخن از توسعه پایدار شهری و باقی گذاشتن منابع برای نسل آینده، جامعه مدنی و هویت مداری به میان است. در روزگار ما رشد و بالندگی بینش اجتماعی - سیاسی جامعه از درون، و گسترش و ارتقا فرهنگ جهانی توسعه از بیرون چارچوبی نوین برای اندیشه و تفکر در حوزه ساماندهی و توسعه شهری پایه ریزی نموده است.

در مداخلات معاصر در بافتهای مرکزی و تاریخی چه در جهت حفظ شالوده های شهر و چه در جهت حذف آن تغییرات بسیاری در بافت شهرها را موجب شده است. مداخلات احیا گرانه عموماً بر پایه احیای کالبدی بافتهای فرسوده یا مرمت و احیای تک بناهای واجد ارزش معماری

و تاریخی در شهرهای کهن استوار بوده است. مداخلات تخریب گرایانه ای که از دوران پهلوی اول آغاز شده و متأسفانه تا به امروز نیز شاهد ادامه آن هستیم جز تامین دسترسی سواره و تکمیل شبکه پیشنهادی طرحهای جامع و تفصیلی هدف دیگری را دنبال نمی کند و خصوصا این گونه مداخلات در بافت های فرسوده با مداخلات شدید کالبدی و بی توجهی بوده است.

علی رغم افزایش ملاحظات اجتماعی در مباحث بهسازی شهری، این مطالعات غالبا بعد کالبدی داشته و کمتر به ماهیت فکری و رسوبات ذهنی ساکنان و هویت گم گشته در فضا توجهی مبذول شده است.

امروزه بیگانگی با ذات و جوهره فضا و معانی نهفته در فضا اصلی ترین عاملی شناخته می شود که در راهکارهای شهری میان ایده های کالبدی و نقطه نظرات اجتماعی فاصله زیادی را به وجود می آورد. لذا آنچه که در صحنه حیات شهری ونه فقط در شهرهای دچار فرسودگی بلکه در همه شهرها، به عنوان عامل پویا و سرزنده مکان شناخته می شود، رجعت و بازگشت به "فرهنگ" است لذا امروزه "فرهنگ" به عنوان نه بعد چهارم پایداری بلکه در قلب آن حک کرده است.

توجه به فرهنگ بومی به عنوان یکی از راهکارهای جهانی در ساماندهی و ارتقا کیفیت شهرها نقش اساسی دارد. چنانچه "فدریکو مایور"، مدیر کل اسبق یونسکو، در فراخوان عمومی دهه جهانی فرهنگی چنین می نویسد: "فرهنگ جز ذاتی زندگی و وجدان آگاه یا ناخودآگاه افراد جوامع محلی است. سرمایه زنده فعل خلاق است، در گذشته و حال. که نظام سنت ها و پسندهایی را که معرف نبوغ مشخص یک قوم را طی قرن ها شکل می دهد. بدین گونه فرهنگ موظف است تا برای فعالیت اقتصادی جایی باز کند و به تعریف قوت ها و ضعف ها و فرایند تولیدی جامعه بپردازد... هدف دهه جهانی توسعه فرهنگی، ترویج آگاهی ها

از ضرورت فرهنگی و ایجاد حالت ذهنی تازه ای است که به پیدایش تنوع پیشنهاد بیانجامد-پیشنهادهایی در زمینه تنوعی که یگانگی آورد، خلاقیتی که پیوند دهد، اتحادی که رهایی بخشد."

در این راستا توجه به مفهوم فرهنگ و سرمایه های فرهنگی یکی از عوامل مهم در توسعه فرهنگی جامعه به شمار می آیند که می تواند از مهمترین و موثرترین محورها در احیا و بازنده سازی بافت های شهری به شمار آید که با احیا و تحرک بخشی به انرژی های خلاق موجود در بافت (در غالب فرهنگ ساری و جاری و نهفته جامعه)، زندگی و پویایی را در آن ایجاد نماید. در سال ۱۹۷۲ در کمیسیون بین المللی آموزش دو باوری باور بنیادی متاثر از فرهنگ را در این زمینه مطرح ساخت: آموزش در تمام زندگی و جامعه در در حال یادگیری.

در نهایت در پی تجربیات تلخ مداخله در بافت های تاریخی که نه تنها تبعات اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی ناگواری را در پی داشته است، بلکه به زوال این منابع و سرمایه های فرهنگی نیز شتابی تازه بخشیده است.

این رساله در پی آن است که با رویکردی فرهنگ مدار در پی افزایش تحرکات اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی و حتی زیست محیطی، ذات و جوهره مکان و بویژه بافت پوشهر را با مطالبات حقیقی و نیازهای ذاتی خود برای رسیدن به حیات فرهنگی هم سو نماید و ضرباهنگ حیات شهری را با حضور حیاتی خود معنا بخشد.

آنچه که در این رساله تحت عنوان "پایداری فرهنگی" و تبلور آن در دانش طراحی شهری به عنوان هنر ساخت مکان صورت می گیرد.

در نهایت می توان گفت:

پایداری را تنها از آن شهرها و یا فضاهای شهری می داند که تداوم فرهنگی را ارتقا بخشیده و به بقا و پایداری شهروندان از طریق ارتقا کیفیت زندگی کمک کرده و

زمینته رشد فردی آنها را فراهم آورده^۱ تقویت نموده و بر احساس ارتباط در زمان و مکان بیفزاید (لینچ ۱۳۷۶: ۱۵۰)

۱-۲) دلایل انتخاب مکان

زندگی حرفه ای ۳ ساله با بافت قدیم بوشهر، رابطه وجودی نه از جنس نوستالژیک، بلکه با نگاهی همدلانه را بافت قدیم بوشهر باعث شد.

خصوصیات منحصر به فرد بافت بوشهر، از نظام استقرار تا یگانگی نظام بلوک بندی و دانه بندی و خصوصیات دانه های معماری، فرهنگ دریا نشین ساکنان بومی، آداب و رسوم و زندگی و ارتباط تنگاتنگ مردمان با دریا، همه و همه، راه حل تازه ای را می طلبد تا نه تنها با در نظر گرفتن مسائل کالبدی بلکه با نگاهی عمیق تر به دنبال راه حل مشکلات این بافت رو به انحطاط و شاید به تعریف سازمان "عمران و بهسازی شهری" بافت فرسوده بگردد.

روند رو به انحطاط بافت از یک سو و ناتوانی حرفه طراحی شهری با تمام مهوریت ها از سوی دیگر، تلاش نگارنده را بر آن داشت که به دنبال مبانی نظری تازه ای برای حفظ و سرزندگی این نگین نشسته در دامان خلیج فارس بگردد. از آنجا که این بافت با خصوصیات اجتماعی ویژه اش و حتی تمایز زبانی اش از بافت اطراف، یکی از مصادیق فرهنگ غنی و کهن بوشهر به شمار می آمد که خاطرات جمعی فراوانی را در دل خود داشت. انطباق با خصوصیات اقلیمی و پاسخ گویی به ارزش ها و اعتقادات مردم این مرز و بوم، همه و همه فرهنگی بس غنی و مرتبط با دریا در این دماغه جنوب ایران ایجاد کرده است.

آنچه که نگارنده آن را "پایداری فرهنگی" می خواند شاید دست آویزی باشد تا بتواند حیات فرهنگی این بافت و حیات کالبدی اش را به عنوان یکی از مظاهر سرمایه فرهنگی این مرز و بوم تامین سازد.

۱-۳) اهداف رساله

با توجه به آنچه گفته شد اهداف اصلی عبارتند از:

- آشنایی با مفهوم فرهنگ، پایداری و مفهوم "پایداری فرهنگی" و تبیین مولفه های آن.
- آشنایی با مفهوم طراحی شهری و لایه های فرم شهر.
- شناخت ارتباط مولفه های طراحی شهری با ابعاد پایداری فرهنگی.
- تدوین اصولی جهت نایل شدن به پایداری فرهنگی در طراحی شهری.

۱-۴) ساختار و محصول رساله

ساختار اصلی رساله حاضر عمدتاً با هدف ارائه رهنمودهای راهنمای طراحی شهری و با توجه به تعاملات و تاثیرات مفهوم پایداری فرهنگی بر جنبه های مختلف فرآیند طراحی و حیات شهری به خصوص حیات فرهنگی در واحد مکان شکل گرفته است.

بدین منظور رساله حاضر در ۵ بخش تبیین شده است:

- مروری بر تبیین واژه های کلیدی موضوع رساله - فرهنگ و پایداری و پایداری فرهنگی و طراحی شهری - صورت می گیرد.
- در بخش بعد تعامل مفاهیم پایداری فرهنگی بر مولفه های سازنده مکان به عنوان محصول طراحی شهری مورد تدقیق قرار می گیرد و تلاش می شود با هدف جستجوی تاثیرات پایداری فرهنگی بر ابعاد ماهوی و رویه ای، جنبه های کلیدی طراحی شهری با تکیه بر پایداری فرهنگی ارائه می شود.
- در بخش بعد تلاش می شود تا ضمن بررسی نمونه های موردی در تجارب جهانی، شناخت سند "اصول طراحی شهری" استخراج شود. در ضمن به معرفی نمونه های

مرتبط با باززنده سازی مراکز شهری با محوریت فرهنگ پرداخته خواهد شد.

- در فصل چهارم، سنجش وضعیت بافت قدیم بوشهر به عنوان موردی هم از بعد ماهوی و هم از بعد رویه ای مورد تدقیق قرار می گیرد.

- در نهایت "رهنمودهای طراحی" بر اساس محوریت "پایداری فرهنگی" در طراحی شهری برای بافت قدیم بوشهر پیشنهاد می گردد.

در پایان ذکر این نکته لازم است که نگارنده با نگاهی رفتاری طراحی شهری، دیدگاه "احتمال گرایی محیطی" را در پیش گرفته که در این دیدگاه خصوصیات محیط کالبدی اساساً "تعیین کننده" رفتار افراد نبوده ولی امکان انتخاب رفتار

را فراهم می سازد. لذا، خصوصیات کالبدی محیط انتخاب برخی رفتارهای را نسبت به برخی رفتارهای دیگر در همان محل محتمل الوقوع تر می سازد.

لذا اصول طراحی در جهت ساخت مکان های با مولفه های مرتبط با مقوله فرهنگ و مستعد به پذیرش رفتارها و فعالیت های فرهنگی، در راستای رسیدن به "پایداری فرهنگی" ارائه می شوند.

در نهایت ساختار پیشنهادی رساله در نمودار زیر ترسیم می گردد:

اصول طراحی شهری پایدار با تاکید بر بعد فرهنگ

چارچوب مفهومی

طراحی شهری

پایداری

فرهنگ

تعامل مفاهیم

اهداف عام طراحی شهری پایدار با تاکید بر بعد فرهنگ

بستر طراحی بافت قدیم بوشهر

اهداف خاص طراحی شهری پایدار با تاکید بر بعد فرهنگ متکی به بستر

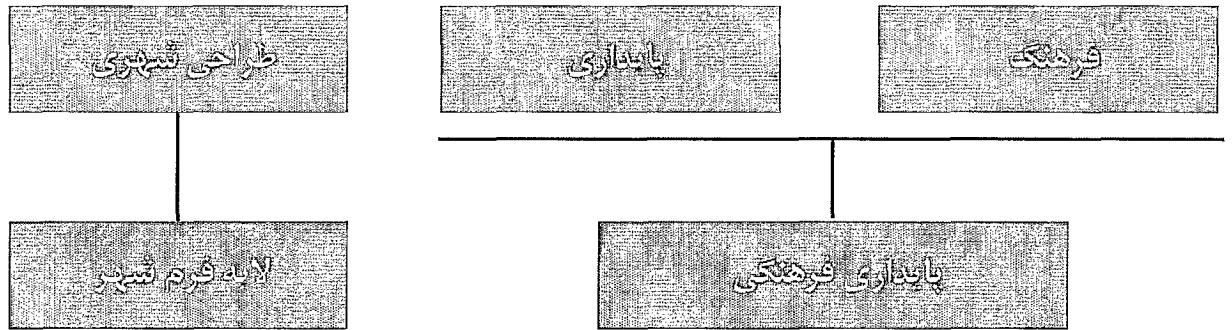
لایه های فرم شهر

اصول (رهنمودهای) ماهوی و رویه ای طراحی شهری پایدار با تاکید بر بعد فرهنگ

ساختار پیشنهادی رساله

فصل ۲: چارچوب مفهومی
،مروری ادبیات موضوعی

چارچوب مفهومی



در این بخش جهت فراهم آوردن زمینه بررسی تعامل مفاهیم فرهنگ و پایداری و طراحی شهری ، تبیین واژه های کلیدی موضوع رساله - پایداری فرهنگی و طراحی شهری - صورت می گیرد . در ارتباط با مفهوم پایداری فرهنگی به مرور تعاریف ، سابقه و تاریخچه و رویکردهای نظری مرتبط پرداخته می شود ، دیدگاههای مختلف به ویژه در رابطه با مسائل شهری مورد بررسی و معرفی قرار می گیرد . به موازات آن در خصوص موضوع طراحی شهری ، رویکردهای نظری که در ارتباط و تعامل با مفهوم پایداری فرهنگی مفید خواهند بود ، ضمن معرفی لایه های مختلف فرم شهری ، مرور می شوند .

مقدمه -

سوال های اصلی این بخش عبارتند از :

- تعریف و ماهیت فرهنگ چیست؟

- سرمایه فرهنگی چیست؟

- فرهنگ پذیری در جامعه به چه طریق اتفاق می افتد؟

۲-۱-۱) فرهنگ چیست؟

فرهنگ در اصل به معنای کشت کردن، آباد کردن و بارور ساختن است که مفهوم آن به تدریج در ادبیات و علوم راه پیدا کرده است، در قرن هجدهم میلادی نویسندگان آن را به معنای پرورش معنوی و تربیت روح و روان به کار می بردند.

این واژه به تدریج در زبان های اروپایی، معنای وسیع تری پیدا کرد تا اینکه امروزه به معنای رشد و تربیت فکر، تهذیب و پالایش ذوق و رفتار ناشی از تربیت و نیز ساختارهای اجتماعی، مذهبی و تظاهرات فکری و هنری، که ویژگی های یک جامعه را تشکیل می دهند، به کار می رود.

فرهنگ به میراث اجتماعی مردم اشاره دارد. توضیح دهنده الگوی رفتاری، هنرها، عقاید و همه دیگر تولیدات اندیشه و فکر از یک نسل به نسل بعدی است. فرهنگ مانند یک قالب اشاره دارد به رفتارهای یادگرفته شده رایج و کنش ها در یک جامعه معین و همچنین به عنوان شکل دهنده رفتار و افکار در درون یک جامعه است.

فرهنگ به افراد رشته راهنمایی برای دنباله روی و برای نشان دادن هنجارها و ارزش هایی که باید از آن

۱ برگرفته از:

- آشوری، داریوش، "فرهنگ و تعاریف فرهنگ"، نشر آگه، تهران، ۱۳۸۰ و.

- رفیع پور، فرامرزی، "اناثومی جامعه"، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۸.
<http://www.wikipedia.org>

اطاعت کنیم، می دهد. هنجارها، ارزش ها و نمادها، زبان و مصنوعات بشری، همه اینها قسمت های ساختاری فرهنگ هستند که ارزش ها و عقاید مختلفی را که دنبال می کنیم، توضیح می دهد.

قسمت اصلی فرهنگ به هنجارها اشاره دارد. هنجارها قانون های اجتماعی اند که رفتارها را مشخص می کنند، مقتضی یا غیرمقتضی در موقعیت های مختلف. آنها ما را با راهنمایی ها و ملاک ها آماده می کنند که درباره دیگران قضاوت کنیم و تصمیم بگیریم چگونه با آنها برخورد کنیم. هنجارها "باید" و "نباید"، را به ما می گویند. در همه فرهنگ ها بدنه اصلی قانون های اجتماعی، موضوعاتی نظیر جنسیت، دارایی و امنیت را در مورد بحث قرار می دهند.

گاهی اوقات یک وابستگی مهم با بعضی هنجارها که ما آنها را آداب و رسوم می نامیم وجود دارد. آداب و رسوم اهمیت اخلاقی را معین می کند و به آنها توضیح می دهد که چه کسی اشتباه کرده است. تنبیه برای تخطی کنندگان از آداب و رسوم طرد از جامعه است. عرف قومی نوعی از هنجارها هستند که به شیوه های مرسوم که ما فعالیت های روزانه ما را با آن شکل می دهیم می پردازد. آنها شامل چیزهایی از قبیل شستن دندانهایمان، مرتب کردن موهایمان، حمام کردنمان و روشی که ما به دوستانمان سلام می کنیم، می باشد. اگر ما از این هنجارها پیروی نکنیم، مجازات نمی شویم اما بدون شک از جامعه طرد می شویم.

ارزش ها قسمت عمده دیگری از فرهنگ هستند. آنها عقاید مربوط به زندگی را فصل بندی می کنند. ارزش ها آنچه که مطلوب و درست است و بیشتر افراد جامعه در آن سهم دارند را مورد توجه قرار می دهند، مردم متمایل به گردش در اطراف ارزش ها هستند که دلیلی برای انتخاب ها و اعمال انجام شده در زندگیشان

می‌باشد. در مواقعی ارزش‌ها در هنجارهای مشخص که ما ممکن است داشته باشیم پررنگ‌تر می‌شوند. نمادها فعالیت با موضوعاتی هستند که ناشی از پذیرفتن اجتماعی است، نمادها نشان‌دهنده مسائلی هستند که مردم در ارتباط‌تشان درباره موضوعی به تفاهم رسیده‌اند و در رابطه‌هایشان از آن استفاده می‌کنند.

نمادها شامل اشاره‌ها و مقصودهایند. زبان شاید مهم‌ترین نمادی است که ما می‌توانیم داشته باشیم. زبان می‌تواند احساسات و اندیشه‌های مشترک را بواسطه یک سیستم از علامت‌های مطلق مانند اشاره‌ها، صداها و نمادهای نوشتاری توضیح دهد، زبان یک نظام ساخت یافته اجتماعی از الگوهای معتبر با معنی‌های مخصوص است.

به طور خلاصه فرهنگ، بخش عمده‌ای از جامعه ما و شامل عقایدی است که از آن پیروی می‌کنیم. فرهنگ هر چیزی را درباره خودمان به ما می‌آموزد. یک خانواده و گروه به واسطه فرهنگ مشترکی که دارند شناخته و توصیف می‌شوند. ما در فرهنگمان همه کارها را درست انجام می‌دهیم چرا که همه آداب و رسوم از نسل‌های قبل برای ما تعیین شده و به ما رسیده است.

از دید تایلور (۱۸۷۱) فرهنگ عبارت است از

"مجموعه پیچیده‌ای است شامل معارف، اعتقادات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه، وظایف و تعهداتی را برعهده دارد. به عبارت ساده‌تر شاید بتوان گفت فرهنگ عبارت است از آنچه جامعه می‌آفریند و به انسان‌ها وا می‌گذارد."

مفهومی که اخیراً انسان‌شناسان در سال‌های اخیر بیشتر به آن گرایش دارند، تصویر فرهنگ همچون یک مفهوم تجریدی است که از مشاهده رفتار به دست می‌آید.

اندیشه و رفتار، نمایان‌ترین جنبه زندگی بشری است و تمامی پیشرفت فرهنگی بشری برپایه آن قرار دارد. جهان انسانی عرصه معنا و سراسر نمادین است. نمادگری انسان با کلیت و فراگیری کاربرد آن وسیله‌ای است که راه جهان فرهنگ را می‌گشاید و آن را پویا و متعالی می‌نماید. بدون نمادگری، زندگی بشر در حدود برآوردن نیازهای پایه‌ای زیستی باقی می‌ماند. بی‌نمادگری، بشر هرگز نمی‌توانست به "جهان آرمانی" دست یابد. از سرشت نمادسازی انسان است که از هزار سو درهای دین، هنر، فلسفه و علم به روی او گشوده می‌شود.

زبان، اسطوره، دین، علم و هنر، مایه‌ها و زمینه‌های تشکیل این شکل عالی‌تر از جامعه‌اند. از این راه و به کمک نمادگذاری در زندگی بشر است که زندگی اجتماعی در حوزه طبیعت ارگانیک به مرحله جدیدی پای می‌گذارد و آن مرحله آگاهی اجتماعی است. از راه نمادگیری و معناجویی است که انسان حتی از زیست اجتماعی فراتر رفته، و به سوی جهان زیست فرهنگی پر می‌گشاید.

۱-۱-۲) تعاریف فرهنگ:

فرهنگ را می‌توان به عنوان رفتارها، هنر، اعتقادات و تشکیلاتی که از یک نسل به نسل دیگر می‌رسد توصیف نمود. از این رو فرهنگ را "شیوه زندگی هر جامعه انسانی" می‌دانند. چرا که کدهای رفتاری، نحوه پوشش، زبان، مذهب، مراسم و آیین‌ها، هنجارهای رفتاری مانند قانون و اخلاقیات را در بر می‌گیرد، هم‌چنین سیستم اعتقادات افراد جامعه همراه با